

بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی والدین نوجوانان بزهکار و نوجوانان عادی در امور مدرسه*

علی هاشمیان فر^۱

علیرضا اکبرزاده^۲

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی و مقایسه مشارکت اجتماعی والدین نوجوانان بزهکار و نوجوانان عادی در شهر تهران انجام شده است. در تحقیق حاضر مشارکت اجتماعی والدین، در دو بعد مشارکت تربیتی - پرورشی و آموزشی والدین در امور مدرسه فرزندان مورد بررسی قرار گرفته و نظریه کنترل اجتماعی هیرشی به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده و فرضیه‌های تحقیق نیز بر اساس چارچوب نظری تدوین شده است. روش انجام تحقیق به روش پیمایشی بوده و برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۸ سال مقطع دبیرستان مناطق ۱۵ و ۴ شهر تهران و نیز کلیه پسران مرتکب به بزه سرقت در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران تشکیل داده‌اند. برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده استفاده شده و حجم نمونه تحقیق را ۱۲۰ نفر شامل ۶۰ نفر نوجوان بزهکار و ۶۰ نفر نوجوان غیر بزهکار تشکیل داده‌است. برای سنجش قابلیت اعتماد گویه‌ها در پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ و برای سنجش اعتبار گویه‌ها علاوه بر اعتبار صوری از تحلیل عامل استفاده شده‌است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر جداول توزیع فراوانی، از آزمون‌های T و آزمون لوین برای آزمون معناداری تفاوت میانگین‌های دو گروه استفاده شده‌است. نتایج حاصل از تحقیق در نمونه مورد بررسی نشان داده‌است که در زمینه مشارکت تربیتی - پرورشی والدین براساس قیود اجتماعی نظریه هیرشی، بین دلبستگی به خانواده و باور به هنجارهای اجتماعی نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد. اما در زمینه تعهد به اهداف مدرسه بین نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین نتایج تحقیق در زمینه مشارکت آموزشی والدین نیز بیانگر آن است که میانگین درگیر بودن در امور آموزشی و فوق برنامه مدرسه در بین نوجوانان غیر بزهکار بیشتر از نوجوانان بزهکار است و این تفاوت معنی‌داری است.

کلید واژه: مشارکت اجتماعی، مشارکت تربیتی - پرورشی، مشارکت آموزشی، بزهکاری.

* تاریخ وصول: ۹۲/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۲۱

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول) Ali_reza615@yahoo.com

۱- مقدمه

روابط افراد در جامعه بر نظم و قواعد خاص استوار است در حقیقت زندگی اجتماعی از طریق این قواعد یا هنجارهای اجتماعی^۱ تداوم می‌یابد. چنانچه افراد از قواعدی که بعضی انواع رفتار را در وضعیت‌هایی به عنوان رفتار مناسب و برخی دیگر را به عنوان رفتار نامناسب تعریف می‌کنند، تبعیت نکنند، فعالیت‌های آنها دستخوش هرج و مرج خواهد شد. بر عکس پیروی افراد از هنجارهای اجتماعی به زندگی اجتماعی خصلتی منظم و قابل پیش‌بینی می‌بخشد، البته همیشه و همگان با انتظارات اجتماعی هم‌نوا^۲ نمی‌کنند، وقتی که اعمال و رفتار افراد برخلاف هنجارها و انتظارات عمومی باشد، از آن تحت عنوان انحراف اجتماعی^۳ یاد می‌شود. البته انحراف اجتماعی به لحاظ زمانی، مکانی، مقام و ... امری نسبی است. با وجود این، چنانچه رفتار فرد بر خلاف ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول اکثریت اعضای یک جامعه باشد. رفتار انحرافی است.

از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، انحراف اجتماعی به دو طبقه بزهکاری و جرم قابل تقسیم است که این طبقه‌بندی نه برحسب نوع و شدت رفتار انحرافی بلکه براساس سن افراد در هنگام ارتکاب چنین اعمالی می‌باشد. بنابراین، چنانچه رفتار انحرافی توسط بزرگسالان صورت گرفته باشد آن را جرم و در صورتی که توسط نوجوانان و جوانان انجام شده باشد، به عنوان بزهکاری محسوب می‌گردد. (احمدی، ۱۳۸۴، ۱۳۵)

دوره نوجوانی مرحله گذر از دوران کودکی به نوجوانی است که از یک سو نوجوان در حال سپری نمودن وابستگی‌های دوران کودکی است و از سوی دیگر به تنهایی قادر به حل و فصل بسیاری از مسائل و مشکلات خود نمی‌باشد. لذا در این دوره خانواده به عنوان نخستین و مهمترین پایگاه جامعه‌پذیری، نقش بسیار مهمی را برعهده دارد به طوری که والدین به شیوه‌های گوناگون می‌توانند ارتباط نوجوان را با سایر گروه‌های بزهکار محدود سازند و زمینه‌های گرایش نوجوان را برای ارتکاب به انواع بزهکاری‌ها از بین ببرند. (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶: ۱۱۴) یکی از این شیوه‌ها، مشارکت اجتماعی والدین در زمینه امور تربیتی-پرورشی و آموزشی فرزندان در مدرسه است.

از نظر دورکیم فقدان مشارکت و عدم جذب و یکپارچه شدن افراد با جامعه به افزایش میزان انحرافات اجتماعی می‌نجامد. (توسلی، ۱۳۸۲: ۷۴) بنابراین می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی والدین در

1. Social norms

2. Conformity

3. Social deviation

امور تربیتی و آموزشی فرزند خود می‌تواند ضمن پیوند نوجوانان به شبکه گسترده‌ای از روابط اجتماعی، مانع از گرایش آنان به انواع انحرافات اجتماعی گردد.

۲- بیان مسأله

آموزش و پرورش یک نهاد اجتماعی است که موضوع آن انسان و نتیجه آن تحول انسانی است. آموزش و پرورش از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد که یکی از این عوامل، نهاد خانواده است که می‌تواند از طریق مشارکت اجتماعی والدین در امور تربیتی-پرورشی و آموزشی فرزندان تأثیرگذار باشد. مشارکت اجتماعی والدین در امور مدرسه به عنوان یکی از عرصه‌های زندگی اجتماعی از این جهت اهمیت مضاعف پیدا می‌کند که مشارکت چند بعدی والدین در امور تربیتی-پرورشی و آموزشی فرزندان به ویژه در سنین نوجوانی می‌تواند در جلوگیری از افت تحصیلی، بزهکاری و گرایش به انواع انحرافات اجتماعی آنان مؤثر باشد. اما براساس تحقیقات انجام شده در جامعه ما، مسأله و مشکل اصلی در نوع مشارکت اجتماعی والدین در امور مدرسه فرزندان خود است که یک نوع مشارکت تک بعدی است. مشارکت مالی (آن هم با اکراه زیاد) و حضور فیزیکی والدین در مدرسه در مواقع لزوم از مصداق‌های این نوع مشارکت است. این درحالی است که همین مشارکت تک بعدی نیز مثل حضور فیزیکی والدین در مدرسه در مقاطع تحصیلی بالاتر (دبیرستان) علیرغم حساسیت سنی و تحصیلی فرزندان که یک ارتباط تنگاتنگ و تبادل اطلاعات را بین خانواده و مدرسه می‌طلبد، به شدت کاهش می‌یابد.

لذا عدم مشارکت چند بعدی والدین در امور تربیتی-پرورشی و آموزشی والدین باعث می‌گردد که نقش خانواده بتدریج کمرنگ‌تر شده و دانش‌آموز (نوجوان) به علت نیاز به برقراری روابط اجتماعی خاص با دیگران و نیاز به توجه و مورد علاقه دیگران بودن، در شرایطی که خانواده نتواند این نیازها را ارضا نماید، جذب گروه‌های همسالان و چه بسا گروه‌های بزهکار گردد و الگوهای بزهکاری (همانطور که نظریه پردازان نظریه‌های خرده فرهنگی و نیز نظریه پردازان کنترل اجتماعی بر آن تأکید دارند) هنگامی به نوجوانان منتقل می‌شود که ارضای نیازهای اساسی آنان برای پذیرفته شدن، دوستی و احترام و گذران اوقات فراغت دیگر از طریق مشارکت نهادهایی مثل خانواده دشوار می‌شود و در چنین شرایطی اگر فرد از طریق خانواده حمایت و کنترل نشود ارضاء نیازهایش چه بسا به شیوه بزهکارانه صورت می‌پذیرد.

حال می‌توان براساس گفته‌های فوق سؤالات اصلی تحقیق را اینگونه مطرح کرد که: چرا فقط برخی از دانش‌آموزان مرتکب رفتارهای بزهکارانه می‌شوند؟ آیا بین مشارکت اجتماعی والدین نوجوانان بزهکار و نوجوانان عادی (غیر بزهکار) در امور مدرسه فرزندان تفاوتی وجود دارد؟

۳- ادبیات تحقیق

در این بخش تعریفی از مفاهیم مشارکت، مشارکت اجتماعی و بزهکاری ارائه و سنخ‌شناسی از انواع مشارکت و بزهکاری بیان می‌گردد.

مشارکت: مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع جوهره اصلی مشارکت را باید در فرآیند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵).

مشارکت اجتماعی: فرآیند سازمان یافته‌ای است که افراد از روی آگاهی و اطلاع، داوطلبانه، گروهی و با عنایت به علائق معین و مشخص که منجر به خود شکوفایی و نیل به اهداف می‌گردد، فعالیت می‌کنند (قراخانی، ۱۳۸۲: ۵).

انواع مشارکت: مشارکت را می‌توان بر حسب سطح مشارکت، چگونگی عضویت و موضوع به انواع مختلفی طبقه‌بندی کرد. بر حسب سطوح مشارکت می‌توان سه سطح خرد (افراد)، میانی (نهادهای و سازمان‌های اجتماعی) و کلان (جامعه) تقسیم‌بندی کرد. بر حسب چگونگی عضویت نیز مشارکت به دو نوع مشارکت ارادی و مشارکت اجباری تقسیم می‌گردد. بر حسب موضوع، مشارکت را می‌توان به چهار نوع تقسیم‌بندی نمود: ۱- مشارکت فرهنگی ۲- مشارکت سیاسی ۳- مشارکت اقتصادی ۴- مشارکت اجتماعی (موسوی، ۱۳۹۱: ۳۸) در تحقیق حاضر از انواع مشارکت، مشارکت اجتماعی و خاصه مشارکت اجتماعی والدین در امور تربیتی و آموزشی فرزندان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بزهکاری: اصطلاح بزهکاری رسماً در سال ۱۸۹۹ وقتی که اولین قانون بزهکاری جوانان در آینوس شیکاگو تصویب شد، متداول گشت. با پیدایش جامعه‌شناسی انحرافات به عنوان یکی از حوزه‌های جامعه‌شناسی، انحراف اجتماعی بر حسب سن افرادی که مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند در دو مقوله بزهکاری و جرم طبقه‌بندی شد، به این معنی که تقسیم انحراف اجتماعی به بزهکاری و جرم نه براساس نوع و شدت رفتار انحرافی، بلکه بر اساس سن فرد به هنگام ارتکاب رفتار یاد شده انجام می‌گیرد. رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان مرتکب این رفتارها را بزهکار می‌نامند. رفتار بزهکارانه جوانان طیف گسترده‌ای از انحراف اجتماعی است که هم شامل رفتارهایی نظیر فرار از مدرسه است، که از نظر اجتماعی پذیرفته شده نیست و هم شامل اعمال غیرقانونی است، نظیر سرقت (شوماکر، ۱۹۹۰: ۳) هربرت بلومر عقیده دارد هر عملی که انسان آگاهانه و بنا به اختیار و اراده انجام دهد و به عبارتی بتواند آن را به میل انجام دهد و در ضمن با قوانین یک سازمان اجتماعی مخالفت - شود. بزهکاری نامیده می‌شود. (تنهایی، ۱۳۷۴: ۵۱۳)

۴- انواع بزهکاری

بزهکاری جوانان انواع مختلفی دارد که در طیف گسترده‌ای از رفتار ضداجتماعی قرار می‌گیرد که بر حسب عمق و شدت آن به بزهکاری‌های شدید نظیر: تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه و ضرب و جرح- های شدید و بزهکاری‌های ملایم نظیر: فرار از مدرسه، استفاده از داروهای مخدر، مصرف الکل و تخریب اموال عمومی و خصوصی تقسیم می‌شوند (شوماکر، ۱۹۹۰: ۱۵)

براساس یک تقسیم‌بندی دیگر، بزهکاری را می‌توان به دو گونه متفاوت یعنی اتفاقی و حرفه‌ای تقسیم کرد. بزهکاری اتفاقی، موقعی است که افراد فرصت مناسبی پیدا کنند، مرتکب بزهکاری می‌شوند و سعی می‌کنند با کنترل کارهای پنهانی خود اعمالشان را از دیدگاه حقوقی هر جامعه مخفی نگه دارند. این گونه افراد تحت شرایط و عوامل خاصی مرتکب بزهکاری می‌شوند.

بزهکاران حرفه‌ای کسانی هستند که در اثر تکرار رفتار بزهکارانه در ارتکاب بزهکاری بیشتر پا برجا هستند ولی برای خودشان به عنوان فرهنگ گروه خویش پذیرفته شده‌اند چون آنها خود را افرادی عادی در جامعه نمی‌دانند و بین خود و دیگر مردم پیوندی احساس نمی‌کنند. بزهکاران کهنه کار و ماهر از این گروه هستند. (فرجاد، ۱۳۸۵: ۲۱۵)

در تقسیم‌بندی بزهکاران از لحاظ مطالعات اجتماعی و از نقطه نظر عرف و قانون برحسب نوع کاری که انجام می‌دهند، می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم کرد:

- ۱- بزهکاری علیه اشخاص عادی جامعه
- ۲- بزهکاری علیه دارایی و مالکیت دیگران مانند ورود به خانه آنها به قصد دزدی اموال و جعل اسناد و مدارک مربوط به مالکیت، دزدی اتومبیل
- ۳- بزهکاری علیه نظم عمومی جامعه (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۸۱)

عوامل مؤثر بر بزهکاری: اگرچه یک رویکرد تعاملی زیست‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی

با توجه به عوامل زیستی-روانی و اجتماعی مؤثر بر رفتار می‌تواند بزهکاری جوانان را در ابعاد گسترده- تری تبیین کند، ولی جامعه‌شناسی انحرافات عمدتاً به عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری پرداخته و از میان این عوامل، کارگزاران جامعه‌پذیری نوجوانان نظیر خانواده، مدرسه، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی را بیشتر مورد توجه قرار داده است که در زیر به بررسی نقش هر کدام از آنها اشاره می‌گردد.

خانواده: عوامل خانوادگی که به جامعه‌پذیری و روابط عاطفی اعضای خانواده، کنترل خانوادگی،

هماندسازی فرزندان با والدین، گسیختگی خانواده و سایر ویژگی‌های خانواده ارجاع داده می‌شود نقش مؤثری در ایجاد رفتار بزهکارانه میان نوجوانان دارد. تحقیقات درباره خانواده به عنوان یکی از کارگزاران جامعه‌پذیری برای رفتار نوجوانان و جوانان سابقه تاریخی نسبتاً طولانی دارد. نی (۱۹۵۸) در پژوهش‌های

خود به این نتیجه رسیده که متغیرهای خانوادگی نظیر روابط فرزند با والدین، تقیدهای خانوادگی، انضباط و سرپرستی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده با بزهکاری نوجوانان ارتباط معنی‌داری دارد.

هیرشی (۱۹۶۹) در آزمون نظریه کنترل اجتماعی دریافت که افزایش تقید جوانان به والدین و گذران بیشتر اوقات فراغت فرزندان با خانواده، گرایش نوجوانان به بزهکاری را کاهش می‌دهد. مطالعات دیگری که به موضوع خانواده و بزهکاری پرداخته‌اند، تضاد زناشویی، گسیختگی و سرپرستی‌های ضعیف والدین بر فرزندان را بر بزهکاری جوانان مؤثر دانسته‌اند. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۱)

مدرسه: میزان قابل توجهی از زندگی اجتماعی، رفتار و شخصیت نوجوانان در تعامل با مدرسه و تجربیات مدرسه‌ای شکل می‌گیرد. در این میان، زمینه فعالیت‌های اجتماعی که در مدرسه فراهم می‌شود هم می‌تواند مطابق انتظارات و قواعد و هنجارهای رسمی جامعه باشد و هم موجب رفتار انحرافی شود. فقدان فرصت‌های آموزشی مناسب، ناعادلانه بودن رفتار کارکنان مدارس با دانش‌آموزان، شکست تحصیلی و برنامه‌های آموزشی ایستا و کسالت آور موجب کاهش تعلقات خاطر و دلبستگی و تعهد دانش‌آموزان نسبت به مدرسه شده و زمینه رفتار بزهکارانه را در نوجوانان فراهم می‌سازد. رانکین (۱۹۸۳) در پژوهشی دانش‌آموزان ۱۷-۱۱ ساله را مورد مطالعه قرارداد و به این نتیجه رسیده که اشتغال جوانان در فعالیت‌های همگرایی مدرسه مانند تکلیف شب، فعالیت‌های فوق برنامه و عضویت در گروه‌ها و انجمن‌های مدرسه با بزهکاری رابطه منفی دارد (همان: ۱۳۷).

گروه همسالان: گروه‌های همسال نقش مهمی در جامعه‌پذیری جوانان دارند، این نقش در جوامع مدرن که نقش خانواده کمتر است، اساسی‌تر خواهد بود. جوانان به علت نیاز به برقراری روابط اجتماعی خاص با دیگران و نیاز به مورد توجه و علاقه دیگران بودن و از سوی دیگر مورد تحسین و احترام قرار گرفتن، جایی که خانواده و مدرسه نتوانند این نیازهای جوانان را ارضا نمایند، جذب گروه همسالان می‌شوند. یکی از متداولترین تبیین‌ها برای بزهکاری جوانان که نظریه‌پردازان نظریه‌های خرده فرهنگی نظیر کوهن (۱۹۵۵) و ماتزا (۱۹۶۴) بر آن تأکید کرده‌اند، کاربرد مستقیم الگوی‌های بزهکاری است که در گروه همسالان به جوانان منتقل می‌شود. الگوی‌های بزهکاری هنگامی به جوانان منتقل می‌شود که ارضای نیازهای اساسی جوانان برای پذیرفته شدن، دوستی و احترام جوانان دیگر از طریق مشارکت با گروه‌های غیربزهکار رسمی و قراردادی دشوار باشد، در چنین شرایطی زمینه برای ارضای نیازهای فرد به شیوه‌های بزهکارانه فراهم می‌شود.

در تحقیق پیمایشی که الیوت و همکارانش (۱۹۵۸) در سطح ملی به شیوه خود گزارشی در آمریکا انجام داده‌اند دیده می‌شود که عضویت جوانان در گروه‌های همسال بزهکار به طور مستقیم مهم‌ترین عامل

پیشبینی کننده تخلفات نوجوانان است و از طرف دیگر مشکلات خانوادگی مهمترین پیش‌بینی کننده عضویت جوانان در گروه‌های همسال بزهکار است (همان: ۱۳۹).

رسانه‌های جمعی: رسانه‌های جمعی به‌ویژه رسانه‌های تصویری نظیر سینما و تلویزیون تأثیرات مستقیم و سریع بر رفتار نوجوانان دارند. به اعتقاد سادرلند (۱۹۴۲) جوانان در فرآیند یادگیری اجتماعی به تقلید از رفتار دیگران می‌پردازند و از طریق رسانه‌ها برخی از رفتارهای بزهکارانه نظیر خشونت و پرخاشگری را می‌آموزند. نتایج پژوهش‌های انجام گرفته بیانگر آن است که خشونت رسانه‌ها گرایش به رفتار خشونت‌آمیز را در بین نوجوانان افزایش داده و نوجوانانی که در معرض این فیلم‌ها قرار می‌گیرند در یک فرآیند همانندسازی با بازیگران فیلم‌ها، رفتار بزهکارانه را یاد می‌گیرند (همان: ۱۴۱).

۵- پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات انجام شده در مورد موضوع تحقیق حاضر، سعی شده است به‌طور مختصر به نتایج و یافته‌های برخی از پژوهش‌هایی که در داخل و خارج از کشور از دید جامعه‌شناختی به بررسی بزهکاری نوجوانان و نقش والدین پرداخته‌اند، اشاره شود.

الف) تحقیقات داخلی: پژوهشی توسط مشکانی در سال ۱۳۷۱ با عنوان «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان» در میان ۹۰ پسر در کانون اصلاح و تربیت مرکز تهران و ۱۵ دختر در زندان اوین انجام شده است و نتایج حاصل از تحقیق نشان داده توجه به نوجوانان و فراهم کردن زمینه‌های مساعد برای رشد و تقویت رفتارهای صحیح در خانواده از طریق نظارت و کنترل معتدل بر رفتارهای نوجوان، نشان دادن واکنش مناسب در مقابل رفتارهای نادرست او و تقویت نگرش مثبت اعتقادی و باورهای مذهبی و اخلاقی زمینه مساعد را برای رشد اجتماعی فرد و جلوگیری از بزهکاری فراهم می‌سازد (مشکانی، ۱۳۸۳: ۲۶۷).

پژوهش دیگری با عنوان «بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش‌آموزان استان بوشهر» توسط زنگنه در سال ۱۳۸۳ در میان ۱۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان بوشهر به روش پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. هدف عمده این پژوهش پاسخ به این پرسش است که چرا بعضی از دانش‌آموزان مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند؟ نتایج حاصل نشان داده که بین متغیرهای تحصیلات والدین و تعهدات و تعلقات خانوادگی و میزان نظارت والدین بر فرزندان و بزهکاری آنان رابطه معکوس وجود دارد (زنگنه، ۱۳۸۳: ۱۰۶).

ب) تحقیقات خارجی: در پژوهشی که سیمونز و همکارانش (۲۰۰۱) در زمینه بزهکاری نوجوانان انجام دادند، دریافتند که احساس تعلق و وابستگی نوجوانان به دوستان منحرف بر بزهکاری آنها مؤثر

است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان‌داده چنانچه والدین مسؤلیت‌های خود را در قبال فرزندان به درستی انجام دهند این امر به طور غیرمستقیم از طریق تقلیل وابستگی و تعلق این گروه سنی با دوستان منحرف به کاهش بزهکاری نوجوانان می‌انجامد (سیمونز و همکاران، ۲۰۰۱: ۶۳).

ساگر و همکارانش در پژوهشی تحت عنوان «بزهکاری نوجوانان در کشورهای در حال توسعه: نمونه‌ای استانی در ترکیه» در میان ۱۶۵ نوجوان بزهکار از طریق مصاحبه مورد مطالعه قرار داده و نتایج حاصل نشان داده که ۱۶۲ نفر (۹۸٪) از نوجوانان پسر بودند و بیشترین بزه‌هایی که مرتکب شده بودند به ترتیب سرقت (۵۲٪)، ضرب و جرح (۲۰٪) بودند و ۳۳٪ از نوجوانان در هنگام ارتکاب جرم ۱۴ ساله بودند و ۲۱٪ سابقه مجرمانه داشتند. همچنین اغلب نوجوانان بزهکار دارای خانواده‌هایی با سطح آموزش و تحصیلات پایین بودند و کنترل کافی در خانواده بر روی نوجوان وجود نداشته است. (ساگر و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۳۰) در پژوهشی دیگر چاپل و همکارانش (۲۰۰۵) نشان دادند که روابط ساختاری بین عناصر پیوند اجتماعی (تعلق، تعهد، اعتقاد و درگیری) و بزهکاری خشن تا حدودی برای پسران و دختران متفاوت است. (چاپل و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۵۷)

۶- مبانی نظری تحقیق

در این تحقیق سعی شده‌است تا با تلفیق رویکرد کارکردگرایی به موضوع مشارکت اجتماعی و نیز بر اساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی به تحلیل و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شود. در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت، بر فرآیندهای اجتماعی- اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تأکید می‌شود. در این دیدگاه رویکردهای مختلفی وجود دارد که هرکدام با توجه به چشم-اندازهای خود تعابیر مختلفی از مشارکت دارند. در توجه رویکرد کارکردگرایی به موضوع مشارکت، آنچه اهمیت دارد نقش و کارکردهای مشارکت است که افراد جامعه با مشارکت خود آنها را به وجود می‌آورند. از نظر طرفداران این مکتب، عملکردی که مشارکت گروه یا طبقه خاص در جامعه به وجود می‌آورد حائز اهمیت است زیرا در نتیجه این کارکردها نظام اجتماعی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد و انسجام اجتماعی و وفاق جمعی را پدید آورد (فخرایی، ۱۳۸۳: ۴۶۱).

۷- نظریه کنترل اجتماعی

نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه همچنین رفتار انحرافی را عمومی دانسته و آن را نتیجه

کارکرد ضعیف ساز و کارهای کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی و درونی می‌داند. بنابراین بزهکاری و جرم از یک سو، محصول عوامل فردی و از سوی دیگر محصول کنترل نظام‌های اجتماعی مانند خانواده و مدرسه است که به رفتار انحرافی منتهی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۸۶).

۸- کنترل‌های شخصی و درونی

بازدارنده یا کنترل‌های درونی به توانایی‌های درونی برای نظارت بر خود شخص ارجاع داده می‌شود. خود ادراکی از مؤلفه‌های توانایی‌های درونی است که زمینه را فراهم می‌سازد تا فرد خودش را به عنوان فردی مسؤول درک نموده و مسؤولانه عمل نماید و در نتیجه مرتکب رفتار انحرافی نشود.

کنترل‌های اجتماعی: اگر چه تحقیقات تجربی، بازدارنده‌های شخصی و درونی را در رفتار انحرافی به‌ویژه در بزهکاری نوجوانان مؤثر می‌داند ولی در شرایطی که عوامل اجتماعی و محیطی نظیر خانواده و مدرسه فعال هستند، عوامل درونی و شخصی به تنهایی قادر به کنترل رفتار فرد نیستند. بنابراین در پاسخ به این سؤال که چه عواملی سبب می‌گردد که جوانان مرتکب رفتار بزهکارانه شوند، برخی از نظریه-پردازان اجتماعی کنترل این نوع رفتار را براساس میزان تعلقات و تقیدات نوجوانان نسبت به نهادها و سازمان‌های اجتماعی نظیر خانواده و مدرسه تبیین می‌نمایند. نی (۱۹۵۸)، هیرشی (۱۹۶۹) و الیوت (۱۹۸۸) از جمله این نظریه‌پردازان هستند که بر این باورند تعلق خاطر و تقید نسبت به نهادها و سازمان‌ها می‌تواند آنها را در گروه‌های رسمی ادغام نماید و موجب کنترل فردی و اجتماعی گردد (همان: ۸۷).

۹- نظریه کنترل اجتماعی هیرشی

به عقیده هیرشی، بزهکاری به عنوان مسأله اجتماعی باید همانگونه که در اجتماع رخ می‌دهد، یعنی در عرصه خانواده، مدرسه و گروه همسالان و سایر مؤسسات اجتماعی که نوجوانان به نوعی در آنها عضویت دارد، بررسی شود. برخلاف دیگر نظریه‌های بزهکاری که تأکید فراوان بر این موضوع دارند که فرد بزهکار می‌خواهد خود را تطبیق دهد، ولی براساس فشارهای اجتماعی و اضطراب‌های ساختاری برای رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی ناچار می‌شود به کارهای خلاف و نامشروع دست بزند، هیرشی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به‌طور کلی از بین برود. هیرشی در کتاب «قیود اجتماعی» نظریه کنترل اجتماعی خود را مطرح کرده و آن را آزموده است. وی ابتدا واژه بزهکاری را تعریف کرده و می‌گوید: شخص بزهکار فردی است که از قیود اجتماعی آزاد است. در واقع به عقیده وی وقتی بزه اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قید و بندهای اجتماعی بی‌اعتنا است. او این قیود اجتماعی را تحت عنوان چهار مفهوم کلی به صورت زیر بیان می‌کند.

۱- دل‌بستگی^۱: این مفهوم بیانگر میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده و محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر هیرشی کسانی که به دیگران علاقه و توجه دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند با احساس مسؤولیت نسبت به آنان عمل می‌کنند و افراد فاقد این دل‌بستگی چون نگران به خطر افتادن روابط اجتماعی خود نیستند. بنابراین بیشتر احتمال دارد که به بزهکاری روی آورند.

۲- تعهد^۲: تعهد بیانگر میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس دینی است که فرد نسبت به جامعه در خود احساس می‌کند. به تعبیر هیرشی هر قدر فرد در محیط‌هایی مانند مدرسه، خانه و ... نیاز بیشتری به سرمایه‌گذاری در خصوص کنش‌های موافق با جامعه احساس کند، دلیل بیشتری دارد که برای حفاظت از دستاوردهای خود، با دیگران هم‌نوا بماند. در مقابل کسانی که نیاز کمتری به این سرمایه‌گذاری احساس می‌کنند، خطر و ضرر کمتری را در ارتکاب به جرم می‌بینند و حتی ممکن است در پی به دست آوردن فرصتی برای سود بردن از آن برآیند.

۳- باورها^۳: میزان اعتباری است که فرد برای معیارها و قواعد و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی قائل است و باعث می‌شود درحالی که می‌تواند طبق میل خود از آنها تخلف کند، پای‌بند به آنها باقی ماند: باور به حسن شهرت، نیکوکاری، امانت داری و...

۴- درگیر بودن^۴: این مفهوم بیانگر درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. به نظر هیرشی کسانی که درگیر کار و تحصیل و زندگی خانوادگی هستند معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کجروانه را دارند. درعین حال همین مشارکت فرد را در معرض انواع اهرم‌های کنترل اجتماعی قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او بر او اعمال می‌کنند و به همین نحو آشکار است که کسانی که در فعالیت‌های مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیشتری برای دست زدن به رفتار کجروانه دارند (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲-۳۹۱).

۱۰- پارچوب نظری تحقیق

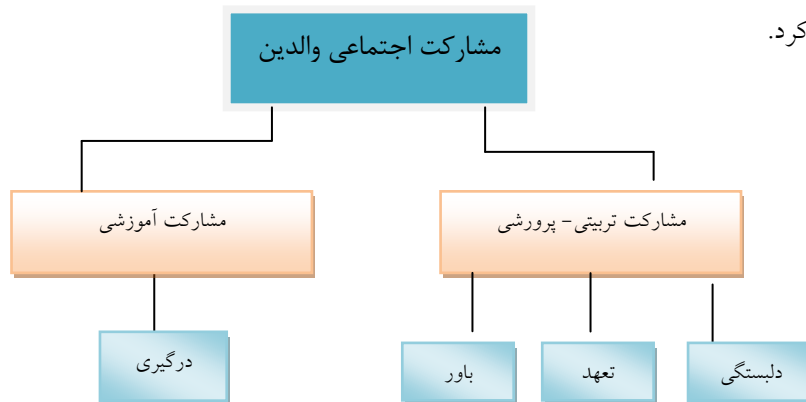
رویکرد کارکردگرایانه عمدتاً بر نتایج و پیامدهای واقعیت‌ها و فرآیندهای اجتماعی تأکید دارد و شیون مختلف جامعه را برحسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگتر دارد تبیین می‌کند. لذا در توجه این رویکرد به مشارکت آنچه اهمیت دارد نقش و کارکردهای و پیامدهای مشارکت اجتماعی است که در

-
1. Attachment
 2. Commitment
 3. Belief
 4. Involvement

تحقیق حاضر نیز براساس این رویکرد برنقش و کارکرد مشارکت اجتماعی والدین در امور مدرسه فرزندان خود تأکید می‌شود. همچنین در دهه‌های اخیر نظریه کنترل اجتماعی هیرشی نیز در زمینه بازدارنده‌های اجتماعی به عنوان دیدگاهی برای تبیین بزهکاری نوجوانان مورد توجه قرار گرفته‌است که برنقش نهادهای اجتماعی مثل خانواده و مدرسه تمرکز نموده و معتقد است که جوانان مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند، به دلیل اینکه برخی از نیروهای اجتماعی بازدارنده انحراف اجتماعی از بین رفته و یا کارکرد آنها ضعیف شده است. هیرشی بر تعلقات و تعهدات فرد به نهادهای اجتماعی مانند خانواده و مدرسه تأکید دارد و در عین حال معتقد است که خانواده می‌تواند به عنوان عامل مهمی در ایجاد پیوند بین فرد و جامعه باشد و بدین- وسیله نقش بازدارنده در گرایش فرزند به بزهکاری داشته باشد.

از این رو بر اساس چارچوب نظری تحقیق می‌توان مدل مفهومی و فرضیه‌های تحقیق را به صورت

زیر بیان کرد.



۱۱- فرضیه‌های اصلی

- بین مشارکت تربیتی-پرورشی والدین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار تفاوت وجود دارد.
- بین مشارکت آموزشی والدین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار تفاوت وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در دلبستگی به خانواده تفاوت وجود دارد
- بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در تعهد به اهداف مدرسه تفاوت وجود دارد
- بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در باور به هنجارهای اجتماعی تفاوت وجود دارد
- بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در درگیر بودن در اموردرسی و فوق‌برنامه تفاوت وجود دارد.

۱۲- تعریف مفاهیم تحقیق

الف) تعریف نظری مفاهیم:

مشارکت تربیتی-پرورشی: در این تحقیق منظور از مشارکت تربیتی-پرورشی، مشارکت والدین در ایجاد نوعی قید و بند اخلاقی و ملزم و متعهد کردن فرزند به عدم تخلف از قیود اجتماعی و اعتبار بخشیدن به هنجارهای اجتماعی است.

مشارکت آموزشی: مشارکت والدین در ایجاد انگیزه و کمک به دانش‌آموز در امور درسی و درگیر نمودن او در فعالیت‌های آموزشی و فوق برنامه مدرسه می‌باشد.

بزهکاری: اصطلاح بزهکاری رسماً در سال ۱۸۹۹ وقتی که اولین قانون بزهکاری جوانان در آیینوس شیکاگو تصویب شد، متداول گشت. رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند بزهکاری نامیده می‌شود و جوانان و نوجوانان مرتکب این رفتارها را بزهکار می‌نامند (شوماکر، ۱۹۹۰: ۳).

کانون اصلاح و تربیت: مرکزی است جهت نگهداری، اصلاح و تربیت و تهذیب اطفال و نوجوانان بزهکار که کمتر از ۱۸ سال سن دارند. کانون از سه قسمت نگهداری موقت، اصلاح و تربیت و زندان تشکیل شده و زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اداره می‌شود.

ب) تعریف عملیاتی مفاهیم:

مشارکت تربیتی-پرورشی: براساس تعریف نظری از این مفهوم، سه بعد برای آن مشخص شده‌است که عبارتند از: ایجاد دلبستگی به خانواده، ایجاد تعهد در فرزند و تقویت باورها و هنجارهای اجتماعی که برای سنجش و عملیاتی کردن مفهوم دلبستگی به خانواده ۵ گویه، ایجاد تعهد در فرزند ۶ گویه و تقویت باورها و هنجارهای اجتماعی ۵ گویه و همچنین برای سنجش مفهوم مشارکت آموزشی نیز ۷ گویه در پرسشنامه آورده شده‌است.

۱۳- نوع و روش انجام تحقیق

نوع تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای است که در آن هدف یافتن علت‌های احتمالی یک الگوی رفتاری است؛ به این منظور آزمودنی‌هایی که دارای رفتار مورد مطالعه با آزمودنی‌هایی که این رفتار در آنها مشاهده نمی‌شود، مقایسه می‌شوند. (دلاور، ۱۳۷۴: ۳۹۳) روش انجام تحقیق به روش پیمایشی بوده و برای گردآوری داده‌ها نیز از ابزار پرسشنامه استفاده شده‌است.

۱۴- جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان پسر ۱۵-۱۸ سال مقطع دبیرستان مناطق ۱۵ و ۴ شهر تهران و نیز کلیه پسران مرتکب به بزه سرقت در کانون اصلاح و تربیت شهر تهران تشکیل می‌دهد.

اما لازم است که در مورد جامعه آماری به چند «چرا؟» پاسخ داده شود.

چرا مقطع دبیرستان: به دلیل کمتر شدن توجه والدین به فرزندان (به ویژه پسران) در این مقطع و نیز براساس آمار کانون اصلاح و تربیت، که ۸۵٪ از نوجوانان بزهکار در کانون در فاصله سنی ۱۸-۱۵ سال می‌باشند.

چرا بزه سرقت: براساس بزه‌های رایج در میان نوجوانان، بزه سرقت در فاصله سال‌های ۹۰-۸۵ رایج‌ترین بزه بوده است.

چرا پسران: این بزه در میان پسران نسبت به دختران رواج بیشتری داشته است.

چرا مناطق ۱۵ و ۴: براساس آمار کانون اصلاح و تربیت در رتبه‌بندی مناطق مختلف شهرداری شهر تهران براساس بزه سرقت، این دو منطقه به ترتیب رتبه‌های اول و دوم را داشته‌اند. در این تحقیق برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا از بین کلیه دبیرستان‌های مناطق ۱۵ و ۴ شهر تهران، دبیرستان‌های پسرانه را انتخاب کرده و در مرحله بعدی از بین دبیرستان‌های پسرانه هر منطقه، دو مدرسه به تصادف انتخاب و از هر یک از مدارس انتخابی تعداد ۱۵ نفر از دانش‌آموزان به صورت تصادفی انتخاب شده است که جمعاً ۶۰ نفر را تشکیل می‌دهند. همچنین تعداد ۶۰ نفر از نوجوانان بزهکار مرتکب سرقت نیز به صورت تصادفی انتخاب شده است. بنابراین حجم نمونه تحقیق را ۱۲۰ نفر شامل (۶۰ نفر نوجوان بزهکار و ۶۰ نفر نوجوان غیر بزهکار) تشکیل داده است.

۱۵- اعتبار^۱

اعتبار ناظر بر میزان انطباق پذیری معرف‌های علمی با تعریف نظری مفاهیم است. منظور از اعتبار میزان دقت و صحت معرف‌های انتخاب شده برای سنجش مفاهیم است. در این تحقیق برای دستیابی به اعتبار در باب معرف‌ها به سه شیوه عمل شده است.

- مراجعه به اساتید و متخصصان مربوطه (اعتبار صوری)
- مراجعه به تحقیقات پیشین
- استفاده از تکنیک تحلیل عامل

تحلیل عامل تعداد زیادی از متغیرها را به تعدادی متغیرهای زیربنایی (عامل‌ها) تبدیل می‌کند برای هر کدام از گویه‌ها در هر عامل یک بار عاملی وجود دارد که همبستگی هرگویه را با عامل نشان می‌دهد. یکی از کاربردهای تحلیل عامل در سنجش اعتبار گویه‌هاست. برای استفاده از تحلیل عامل باید مقدار KMO

¹ validity

بالاتر از ۰/۶ باشد تا به عامل‌پذیر بودن گویه‌ها پی‌برد. همچنین اگر بار عاملی هر کدام از گویه‌های یک متغیر بالاتر از ۰/۴ باشد می‌توان به اعتبار گویه‌ها اعتماد کرد. (ساعی، ۱۳۸۱: ۱۸۱) در این تحقیق نیز اعتبار گویه‌ها در هر کدام از متغیرها با استفاده از تحلیل عامل مورد سنجش قرار گرفته است.

۱۶- سنجش اعتبار گویه‌های متغیر دل‌بستگی به خانواده

برای استفاده از تحلیل عامل باید مقدار KMO (مقیاس کفایت نمونه‌ها) بالاتر از ۰/۶ باشد. در مورد متغیر دل‌بستگی به خانواده مقدار KMO همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد، برابر ۰/۶۲ شده است و این نشان می‌دهد که گویه‌های ما عامل‌پذیر می‌باشند. همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد که بار عاملی هر کدام از گویه‌های متغیر دل‌بستگی به خانواده بالاتر از ۰/۴ است و می‌توان به اعتبار گویه‌ها اعتماد کرد.

مقدار KMO برای تحلیل عامل گویه‌های متغیر دل‌بستگی به خانواده

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.616
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	79.786
	df	10
	Sig.	.000

بار عاملی گویه‌های متغیر دل‌بستگی به خانواده

بار عاملی	دل‌بستگی به خانواده
۰/۶۳	راهنمایی فرزند در زمینه ملاک‌های انتخاب دوست مناسب در مدرسه
۰/۴۳	اشتیاق در شنیدن و حل مشکلات فرزند در مدرسه
۰/۸	تامین وجوه مورد نیاز فرزند برای امور تفریحی و شخصی
۰/۵۷	پیگیری وضعیت رفتاری دانش‌آموز از مدرسه
۰/۵۹	تلاش والدین در جهت پر کردن اوقات فراغت فرزند در کنار خانواده
KMO and Bartlett's Test = 0.62	

۱۶- سنجش اعتبار گویه‌های متغیر تعهد

برای استفاده از تکنیک تحلیل عامل به منظور سنجش اعتبار گویه‌های مربوط به متغیر تعهد مقدار KMO مطابق جدول زیر برابر ۰/۶۷ می‌باشد. همچنین جدول بار عاملی نشان می‌دهد که می‌توان به اعتبار گویه‌ها اعتماد کرد.

مقدار KMO برای تحلیل عامل گویه‌های متغیر تعهد

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.675
Approx. Chi-Square		168.916
Bartlett's Test of Sphericity	df	15
	Sig.	.000

بار عاملی	تعهد
۰/۷۴	التزام به عدم لطمه زدن به اعتبار خانوادگی در مدرسه
۰/۷۱	ایجاد حس مسولیت نسبت به دیگران در فرزند
۰/۶۳	التزام به عدم سلب آسایش دیگران در اثر رفتار ناشایست در مدرسه
۰/۶۷	التزام به عدم رفاقت با دوستان ناباب و بزهکار
۰/۴۵	التزام به عدم از دست دادن اعتبار خود در میان سایر دوستان
۰/۵۲	التزام در دستیابی به اهداف شغلی مناسب در آینده
KMO and Bartlett's Test =0.67	

۱۷- سنجش اعتبار گویه‌های متغیر باورها

مقدار KMO برای متغیر باورها برابر ۰/۷ می‌باشد و بار عاملی تک تک گویه‌های مربوط به باورها بالاتر از ۰/۴ است و می‌توان به اعتبار گویه‌ها نیز اعتماد کرد.

مقدار KMO برای تحلیل عامل گویه‌های متغیر باورها

KMO and Bartlett's Test

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.696
Approx. Chi-Square		120.072
Bartlett's Test of Sphericity	df	10
	Sig.	.000

بار عاملی	باورها
۰/۷۸	حسن برخورد با معلمان و همکلاسی‌ها در مدرسه
۰/۷۴	رعایت امانت داری در مورد محیط مدرسه
۰/۶۸	پرهیز از دروغ گویی به دوستان و مسئولین مدرسه
۰/۶۹	عدم پایمال کردن حقوق سایر همکلاسی‌ها در مدرسه
۰/۵۲	داشتن گذشت در مورد دیگران در محیط مدرسه
KMO and Bartlett's Test =0.69	

۱۸- سنجش اعتبار گویه‌های متغیر در گیر نمودن

مقدار KMO برای گویه‌های مربوط به درگیر نمودن ۰/۷۴ می‌باشد و مقادیر بار عاملی برای هر کدام از گویه‌ها نیز مبین این است که می‌توان به اعتبار گویه‌ها اعتماد کرد.

مقدار KMO برای تحلیل عامل گویه‌های متغیر درگیر نمودن

KMO and Bartlett's Test	
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	.742
Approx. Chi-Square	247.075
Bartlett's Test of Sphericity	df
	21
	Sig.
	.000

بار عاملی	درگیر نمودن
۰/۶۵	تشویق فرزند به پذیرش نقشهای اجتماعی در مدرسه
۰/۸۲	تشویق فرزند به حضور فعال در مراسمات مذهبی
۰/۸۲	تشویق فرزند به حضور فعال در فعالیتهای فوق برنامه مدرسه
۰/۷۴	ایجاد انگیزه در فرزند جهت جدیت در امور تحصیلی
۰/۵۷	تهیه کتب و جزوات آموزشی مورد نیاز فرزند
۰/۴۵	تقویت درسی دانش آموز از طریق شرکت دادن در کلاسهای تقویتی
۰/۴۰	تقویت درسی دانش آموز از طریق گرفتن معلم خصوصی
KMO and Bartlett's Test = 0. 74	

۱۹- قابلیت اعتماد^۱

قابلیت اعتماد شاخصی است ناظر بر تکرارپذیری تحقیق، یعنی اگر فرآیند تحقیق با معرف‌های تجربی معین و ابزار اندازه‌گیری واحد تکرار شود تا چه حد نتیجه یکسان حاصل می‌شود. بدین منظور پیش‌آزمون پرسشنامه بر روی یک نمونه ۳۰ نفری انجام شد و برخی از پرسش‌های مبهم حذف و در نهایت با استفاده از نرم افزار SPSS ضریب آلفای کرونباخ برای هر کدام از متغیرها محاسبه گردید. جدول زیر مقادیر ضریب آلفای کرونباخ را برای هر کدام از متغیرها نشان می‌دهد.

¹ Reliability

مقدار ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه	متغیر	ردیف
۰/۷۵	۵	دلبستگی	۱
۰/۷۲	۶	تعهد	۲
۰/۷	۵	باورها	۳
۰/۸۲	۷	درگیر نمودن	۴

۲۰- تجزیه و تحلیل داده‌ها

نخستین گام در هر تحلیل طبقه‌بندی و توصیف است. طبقه‌بندی عبارت است از گروه‌بندی اطلاعات و داده‌ها در مقوله‌های فرعی و توصیف به معنای نشان دادن توزیع داده‌ها به صورت جدول و نمودار برای داده‌های کمی و بیان این توزیع‌ها با اندازه‌های معین است. (کرلینجر، ۱۳۷۴:۲۱۵)

در این پژوهش از آماره‌های توصیفی مانند: فراوانی، درصد فراوانی و میانگین‌ها و از آماره‌های استنباطی و آزمون T-test و آزمون لوین^۱ استفاده شده است. (آزمون t برای آزمون معناداری تفاوت میانگین‌های دو گروه به کار می‌رود. (پاشا شریفی و دیگران، ۱۳۸۰:۲۲۳))

۲۱- نتایج تحقیق

۱. نتایج توصیفی

۱-۱ سن: بررسی سن نوجوانان بزهکار نشان داد که بیشترین تعداد آنان به ترتیب هفده و شانزده سال سن داشتند به نحوی که بیشترین سنین در این گروه (بزهکاران) هفده ساله‌ها با ۵۶.۷ درصد و شانزده ساله‌ها با ۲۸.۳ تشکیل داده‌اند.

۲-۱ وضعیت تحصیلی پدر و مادر: همچنان که جدول زیر نشان می‌دهد در نمونه مورد بررسی ۴۵ درصد از پدران گروه بزهکار بیسواد و ۵۵ درصد باسواد هستند که از میان تنها ۵ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. اما در گروه غیر بزهکار نزدیک به ۷ درصد بی‌سواد و بیش از ۹۳ درصد باسواد بوده که از این میان ۳۵ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند.

جدول توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی پدر در نمونه مورد بررسی

درصد	فراوانی	گروه نمونه	
۴۵	۲۷	بیسواد	بزهکار
۵۰	۳۰	زیر دیپلم و دیپلم	
۵	۳	تحصیلات دانشگاهی	
۱۰۰	۶۰	کل	
۶.۷	۴	بیسواد	غیر بزهکار
۵۸.۳	۳۵	زیر دیپلم و دیپلم	
۳۵	۲۱	تحصیلات دانشگاهی	
۱۰۰	۶۰	کل	

همچنین براساس جدول زیر در نمونه مورد بررسی ۶۲ درصد از مادران گروه بزهکار بی‌سواد و ۳۸ درصد باسواد هستند که از میان تنها ۱۰ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. اما در گروه غیربزهکار نزدیک به ۲۲ درصد بی‌سواد و ۷۸ درصد باسواد بوده که از این میان ۲۲ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند.

جدول توزیع فراوانی وضعیت تحصیلی مادر در نمونه مورد بررسی

درصد	فراوانی	گروه نمونه	
۶۱.۷	۳۷	بیسواد	بزهکار
۲۸.۳	۱۷	زیر دیپلم و دیپلم	
۱۰	۶	تحصیلات دانشگاهی	
۱۰۰	۶۰	کل	
۲۱.۷	۱۳	بیسواد	غیر بزهکار
۵۶.۶	۳۴	زیر دیپلم و دیپلم	
۲۱.۷	۱۳	تحصیلات دانشگاهی	
۱۰۰	۶۰	کل	

۲- نتایج تحلیلی

۱-۲- دآوری در باب فرضیه اول:

بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در دل‌بستگی به خانواده تفاوت وجود دارد

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد	دل‌بستگی به خانواده	
۰/۶۴۹	۴/۱۰۸	۱۳/۲۰	۶۰	نوجوانان عادی	
۰/۴۹۲	۳/۱۱۷	۸/۸۵۰	۶۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل			آزمون لوین			دلبستگی به خانواده
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F	
۴/۳۵۰	۰/۰۰۰	۷۸	۵/۳۳۴	۰/۰۰۴	۸/۸۵۰	واریانس برابر
۴/۳۵۰	۰/۰۰۰	۷۲/۷۲۹	۵/۳۳۴			واریانس نابرابر

- در جدول بالا نتایج آزمون آماری T مستقل برای مقایسه میانگین دو گروه از پاسخگویان آورده شده است. گروه اول نوجوانان عادی (غیر سارق) و گروه دوم نوجوانان بزهکار (سارق) هستند. بر طبق آزمون T، از آنجایی که مقدار t محاسبه شده (۵/۳۳۴) بزرگتر از مقدار t جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت که بین دلبستگی به خانواده نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیربزهکار تفاوت معنادار وجود دارد.

- همچنین با توجه به اینکه F محاسبه شده (آزمون معنی داری برای تفاوت بین میانگین ها) ۸/۸۵۰ بزرگتر از مقدار F جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. (۰/۰۵ < ۰/۰۰۴) لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت که بین دلبستگی به خانواده نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد.

۲-۲- داوری در باب فرضیه دوم

- بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در تعهد به اهداف مدرسه تفاوت وجود دارد

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۵۱۳	۳/۲۴۸	۱۵/۶۰	۶۰	نوجوانان عادی	تعهد به اهداف مدرسه
۰/۴۶۹	۲/۹۶۷	۱۴/۷۵	۶۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل			آزمون لوین			تعهد به اهداف مدرسه
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F	
۰/۸۵۰۰	۰/۲۲۵	۷۸	۱/۲۲۲	۰/۳۸۹	۰/۷۵۰	واریانس برابر
۰/۸۵۰۰	۰/۲۲۶	۷۷/۳۷۱	۱/۲۲۲			واریانس نابرابر

- بر طبق آزمون T، از آنجایی که مقدار t محاسبه شده (۱/۲۲۲) کوچکتر از مقدار t جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده (۰/۲۲۵) بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که بین تعهد به اهداف مدرسه نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود ندارد.

- همچنین با توجه به اینکه F محاسبه شده (۰/۷۵۰) کوچکتر از مقدار F جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده (۰/۳۸۹) بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد. (۰/۳۸۹ < ۰/۰۵) لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که بین تعهد به اهداف مدرسه نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود ندارد.

۲-۳- داوری در باب فرضیه سوم:

- بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در باور به هنجارهای اجتماعی تفاوت وجود دارد

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۹۶۸	۶/۱۲۵	۱۷/۶۲۵	۶۰	نوجوانان عادی	باور به هنجارهای اجتماعی
۰/۸۴۵	۵/۳۴۸	۱۴/۲۵۰	۶۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل				آزمون لوین			
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F		
۳/۳۷۵	۰/۰۱۰	۷۸	۲/۶۲۵	۰/۰۲۹	۲/۹۹۲	واریانس برابر	باور به هنجارهای اجتماعی
۳/۳۷۵	۰/۰۱۰	۷۶/۶۰۶	۲/۶۲۵			واریانس نابرابر	

- بر طبق آزمون T، از آنجایی که مقدار t محاسبه شده (۲/۶۲۵) بزرگتر از مقدار t جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده (۰/۰۱۰) کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که بین باور به هنجارهای اجتماعی نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد.

- همچنین با توجه به اینکه F محاسبه شده (۲/۹۹۲) بزرگتر از مقدار F جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. (۰/۰۵ < ۰/۰۲۹) لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت که بین باور به هنجارهای اجتماعی نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد.

۲-۴- داوری در باب فرضیه چهارم:

بین نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در درگیر بودن در امور درسی و فوق برنامه تفاوت وجود دارد.

خطای معیار میانگین	Std. Deviation انحراف معیار	میانگین	تعداد		
۰/۹۳۲	۵/۸۹۷	۲۳/۳۰	۶۰	نوجوانان عادی	درگیر بودن
۰/۶۸۰	۴/۳۰۶	۱۵/۶۲۵	۶۰	نوجوانان بزهکار	

آزمون t مستقل			آزمون لوین				
اختلاف میانگین	معناداری	درجه آزادی	مقدار آزمون t	سطح معناداری تفاوت	آزمون F		
۷/۶۷۵	۰/۰۰۰	۷۸	۶/۶۴۷	۰/۰۰۷	۷/۷۸۹	واریانس برابر	درگیر بودن
۷/۶۷۵	۰/۰۰۰	۷۱/۳۷۸	۶/۶۴۷			واریانس نابرابر	

- بر طبق آزمون T، از آنجایی که مقدار t محاسبه شده (۶/۶۴۷) بزرگتر از مقدار t جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت که در زمینه درگیر بودن در فعالیت های آموزشی و فوق برنامه مدرسه، بین نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد.

- همچنین با توجه به اینکه F محاسبه شده (۷/۷۸۹) بزرگتر از مقدار F جدول در سطح ۵ درصد است و p-value به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد. (۰/۰۵ < ۰/۰۰۷) لذا با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت که در زمینه درگیر بودن در فعالیت های آموزشی و فوق برنامه مدرسه، بین نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معنادار وجود دارد.

۲۲- نتیجه گیری

نتایج توصیفی حاصل از تحقیق بیانگر آن است که در نمونه مورد بررسی بیش از ۵۰٪ از نوجوانان بزهکار هفده ساله بودند که این امر نظر فارینگتن (۱۹۹۱) و تیلور (۱۹۹۴) را تأیید می کند. به عقیده آنان

سن اوج بزهکاری هفده سالگی است. همچنین براساس بررسی‌ها از کانون اصلاح و تربیت از سال ۱۳۸۵ تاکنون سن اوج بزهکاری در میان نوجوانان سن هفده سالگی بوده است. بررسی وضعیت تحصیلی و سواد پدران و مادران نمونه مورد بررسی نیز نشان‌داد که بیش از ۴۰٪ درصد پدران و بیش از ۶۰٪ مادران نوجوانان بزهکار بی‌سواد بودند. این درحالی است کمتر از ۱۰٪ پدران و نزدیک به ۲۰ درصد مادران نوجوانان غیربزهکار سواد نداشتند. براساس این نتایج می‌توان ادعا کرد که پدران و مادران نوجوانان بزهکار در مقایسه با نوجوانان غیربزهکار از سطح تحصیلات و آموزش کمتری برخوردار بودند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نیز نشان می‌دهد که در بعد مشارکت تربیتی- پرورشی والدین بین دلبستگی به خانواده و باور به هنجارهای اجتماعی نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیربزهکار تفاوت معنادار وجود دارد. اما در زمینه تعهد به اهداف مدرسه بین نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیربزهکار تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین نتایج تحقیق در زمینه مشارکت آموزشی والدین نیز بیانگر آن است که میانگین درگیر بودن در امورآموزشی و فوق برنامه مدرسه در بین نوجوانان عادی بیشتر از نوجوانان غیربزهکار است و این تفاوت معنی‌داری است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که براساس نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که معتقد است فرد زمانی بزهکار می‌شود که از قید و بندهای اجتماعی (قیود اجتماعی) آزاد باشد. لذا نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که بین دلبستگی به خانواده، باور به هنجارهای اجتماعی و درگیری در فعالیت‌های آموزشی و فوق برنامه مدرسه، نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیربزهکار تفاوت معنادار وجود دارد. اما در نمونه مورد بررسی در زمینه تعهد به اهداف مدرسه نوجوانان بزهکار و نوجوانان غیر بزهکار تفاوت معناداری وجود نداشت.

فهرست منابع

۱. احمدی، حبیب، (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات سمت، تهران.
۲. بیرو، آلن، (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
۳. پاشا شریفی، (۱۳۸۰)، روش‌های آماری در علوم رفتاری، انتشارات سخن، تهران.
۴. تنهایی، ابوالحسن، (۱۳۷۴)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، نشر مردنیه، تهران.
۵. توسلی، غلامعباس، فاضل، رضا، (۱۳۷۲)، مبانی جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران.
۶. جوانمرد، کرم‌اله، (۱۳۹۰)، پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران، چاپ اول.
۷. دلاور، علی، (۱۳۸۰)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی واجتماعی، انتشارات رشد، تهران.

۸. زنگنه، محمد، (۱۳۸۳)، بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر رفتار بزهکارانه دانش آموزان استان بوشهر، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
 ۹. ساعی، علی، (۱۳۸۱)، تحلیل آماری در علوم اجتماعی، انتشارات کیان مهر، تهران.
 ۱۰. ستوده، هدایت ... و بهاری، سیف ...، (۱۳۸۶)، آسیب شناسی خانواده، انتشارات ندای آریانا، تهران.
 ۱۱. سلیمی، علی و داوری، محمد، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی کجروی، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم.
 ۱۲. فخرایی، سیروس، (۱۳۸۳)، تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت اجتماعی در ایران، انتشارات علامه طباطبایی، تهران.
 ۱۳. فرجاد، محمد حسین، (۱۳۵۸)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی و سیر تکامل جامعه، نشر بوعلی، تهران.
 ۱۴. قراخانی، علی، (۱۳۸۲)، سازمان‌های غیردولتی و مشارکت اجتماعی، نشریه همراه، شماره ۶.
 ۱۵. علوی تبار، علیرضا، (۱۳۷۹)، مشارکت در اداره امور شهرها: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
 ۱۶. کرلینجر، پدهاوز، (۱۳۶۶)، رگرسون چند متغیری در پژوهش‌های رفتاری، ترجمه حسن‌سرای، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
 ۱۷. محمدی اصل، عباس، (۱۳۸۵)، بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحرافات اجتماعی، نشر علم، تهران.
 ۱۸. مشکانی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، نشر آگه، تهران.
 ۱۹. موسوی، میر طاهر، (۱۳۹۱)، درآمدی بر مشارکت اجتماعی، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
20. Chapple, C.L., Mcquillan, J.A. & Berdanl, T.A. (2005) Gender, social bonds and delinquency: a comparison of boys and girls models. *Social science Research*, 357.
 21. Elliott, D.S., D. Huizinga and S. Ageton (1985). *Explaining Delinquency and Durg. Use*. Beverly Hills, California: Sage.
 22. Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*. Berkeley: University of California Press.
 23. Matza, D. (1964). *Delinquency and drift*. New York: Wiley.
 24. Nye, F.I. (1958). *Family Relationships and Delinquent Behavior*. New York: Wiley.
 25. Rankin, J. (1983). *The Family concept and delinquency*. Social Problems.

-
- 26.Sakir,O., Aydin, E. Remzi,O. Yasar, T. & Suleyman,G.(2005). *Juvenile delinquency in a developing country: A province example hn Turkey*, International Journal of law and psychiatry,430.
- 27..Shoemaker, D.J (1990). *Theories of Delinquency*. New York:Oxford University Press9. Sutherland,E.H.(1942),On Analysing Crime,Chicago,III. : University of Chicago Press.